



سهمیه بابایی

معماری

تصویرگر: آناهیتا لیمویی

یک جایخی هستم
اما پر از شربت
با دسته‌ای لیوان
در چادر هیئت

از صبح تا حالا
مشغول امدادم
هر تشنه‌ای دیدم
شربت به او دادم

از کار با لیوان
بسیار خوش‌حالم
امسال در هیئت
یک عضو فعالم



یک شعر دیگر

هر دفعه، داخل قفل
چرخاندم ام به زحمت
با اخم و غرغر از من
کردی فقط شکایت:

«باز این کلید لجباز
بدجور، گیر کرده
ما را دو ساعت این جا
بی خود اسیر کرده»

باید به جای غرغر
از نو مرا بسازی
حل کن تو مشکلم را
در یک کلیدسازی

کلید

● مریم مهرآبادی



● یک شعر دیگر